



## واکاوی تضمّن و مراعات نظیر

حبیب الله سلیمی<sup>۱</sup>، ایران مهدیخانی<sup>۲</sup>

۱- دکترای زبان و ادبیات فارسی، دانش آموخته‌ی دانشگاه کردستان (نویسنده مسئول)

۲- کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دبیر دبیرستان‌های شهرستان دیواندره

### چکیده

تضمّن در بخش رابطه‌های معنایی همراه با مترادف، تضاد و تناسب در کتاب‌های درسی دوره‌ی متوسطه‌ی دوم در بخش قلمرو زبانی مذکور است و مراعات نظیر نیز، در حوزه‌ی بلاغت بررسی شده است. ذکر این دو مقوله، در دو حوزه‌ی مختلف، تناقضی را در تبیین جایگاه و تشریح هویت آن‌ها ایجاد نخواهد کرد اما در مراحل بعدی تحصیل، به شیوه‌ی تخصصی، مرزبندی این دو موضوع، مجاورت و مشابهت آن‌ها، مخاطب را به تجزیه و تحلیل و خواهد داشت که بخشی از آن به سابقه‌ی ذهنی - تحصیلی او مربوط خواهد شد که در برخی موارد موجب تردید در انتخاب می‌گردد که مغایر با اهداف آموزشی است؛ علاوه بر این، بیشتر کتاب‌های بلاغی و مقالات پژوهشی به مراعات نظیر، اهمیت و ارتباط آن با دیگر آرایه‌ها پرداخته‌اند و از تحلیل و تبیین تضمّن، به شیوه‌ی مستقل، غافل مانده‌اند. هدف این پژوهش تبیین اهمیت تضمّن است که هویت آن با مراعات نظیر و تبیین آن مشخص می‌شود، پیشنهاد دقت در بررسی همه‌جانبه گرایانه کتاب‌های درسی از سوی مؤلفان و تعیین ارتباط تضمّن به عنوان آرایه‌ای مغفول با سایر علوم از اهداف دیگر این تحقیق عنوان می‌شود. پژوهش با استفاده از شیوه‌ی توصیفی - تحلیلی و به روش کتابخانه‌ای با تأکید بر تحلیل محتوا انجام شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که تضمّن و مراعات نظیر هم‌خوانی دارند و تضمّن در استقلال و ویژه، با علم منطق، معانی، فلسفه و روانشناسی اشتراکاتی دارد. شناخت ظرفیت‌های زبانی و کلامی نهفته در علوم گوناگون و ارتباط ناگسستی آن‌ها با هم و تغییر نگرش مدرّسان نسبت به بررسی صرف آرایه‌ها از دیگر یافته‌های این پژوهش است. **واژگان کلیدی:** مراعات نظیر، تضمّن، منطق، معانی، فلسفه، روانشناسی



## ۱- مقدمه

آرایه‌های ادبی متون را جاودانگی خاصی می‌بخشد، چون «ذاتی و طبیعی» زبان است خواننده را متلذذ می‌کند، متون ادبی را از متون غیر ادبی متمایز می‌سازد، با ظرفیت ویژه‌ی خود نهفته‌های کلام را بیان می‌نماید تا روایتگر ذهن خلاق آفریدگاران خود شود و لایه‌های پنهان ضمیر ناخودآگاه خالقان آثار را به تصویر کشد. برخی از این صنعت‌های ادبی با وجود استقلال خود، در کنار سایر آرایه‌ها مشهوداند، که علم به ارتباط آن‌ها درک و فهم متون را آسان می‌کند، زیبایی‌های کلامی، ماندگاری و پایداری آن‌ها را گسترش می‌دهد و متون را از حالت جمود و ایستایی به سوی زندگی و پویایی سوق می‌دهد. با عنایت به حضور فنون ادبی در کتاب‌های فارسی ابتدایی و دوره‌های متوسطه‌ی اول و دوم، شناخت ویژگی‌های آن‌ها برای درک، فهم معنا و محتوای متون ضروری به نظر می‌رسد و چون در آزمون‌های مختلف، درک آرایه‌ها، قرابت‌های ابیات و عبارات بخش مهم و حائز اهمیت را به خود اختصاص می‌دهد کاوش در مورد آن‌ها امری معقول است و توجه ویژه به این مهم از سوی پژوهشگران، دست‌یابی به اهداف غایی آموزش را شیواتر می‌سازد که در این میان می‌توان به آرایه‌های مراعات‌نظیر و تضمّن اشاره کرد.

مراعات‌نظیر، که با نام‌های تناسب، مؤاخات، توفیق، تلفیق، در کتاب‌های بلاغی حضور دارد، از جمله آرایه‌هایی است که در زبان‌های عربی و فارسی و کتاب‌های بلاغی مربوط به آن‌ها، مورد توجه واقع شده‌است. هر چند بنابه نظر وحیدیان کامیار «تاکنون به درستی بررسی و شناخته نشده‌است» (وحیدیان، ۱۳۷۹). این آرایه در بیشتر آرایه‌ها همانند «تشبیه»، «استعاره»، «کنایه»، «لف و نشر»، «جمع»، «تقسیم»، «تلمیح»، «ارصاد» و مواردی از این دست حضور دارد، که تاکنون به شیوه‌ی مستقل به این مهم پرداخته نشده‌است؛ پژوهشگران در مقالات در حدی جزئی به این موضوع اشاره کرده‌اند. کتاب‌های درسی نیز فاقد این روشنگری هستند درحالی‌که برخی سوال‌های آزمون‌های سراسری رویکردی ترکیبی به آرایه‌ها دارند، با این اوصاف این تبیین تاکنون مغفول مانده‌است. علاوه بر این «تضمّن» هم در بخش ارتباط‌های معنایی همراه با ترادف، تضاد و تناسب - بدون توضیح- در بخش زبان‌شناسی کتاب‌های درسی ذکر شده‌است، اگرچه این رویکرد با اهداف غایی آموزشی منافاتی ندارد اما آموزش‌های بعدی تضمّن را بخشی از تناسب قلمداد می‌کند؛ این فرایند نگرشی پارادوکس گونه و تردید‌گرایانه در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند، که پسندیده نیست. این پژوهش ضمن واکاوی مراعات‌نظیر و تضمّن با هدف روشنگری اهمیت «تضمّن»، پیشنهاد دقت همه‌جانبه‌گرایانه را در کتاب‌های درسی عنوان می‌کند. تبیین «تضمّن» و ارتباط آن با سایر علوم همانند منطق، معانی، فلسفه و روانشناسی از اهداف دیگر این تحقیق است.



## ۲- روش تحقیق:

پژوهش به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی است و به روش کتابخانه‌ای همراه با تحلیل محتوا، به استناد کتاب‌های بلاغی، مقالات مرتبط در این حوزه و با محوریت کتاب‌های متوسطه‌ی دوم به انجام رسیده‌است.

## ۳- پیشینه‌ی تحقیق

پژوهش و تحقیق در حوزه‌ی مراعات‌نظیر در زبان عربی از سوی جاحظ (۲۵۵)، قدامه بن جعفر (۳۲۷) و ابوهلال عسکری (۳۹۵)، ابن‌سنان خفاجی (۴۶۶) با نام‌هایی همچون تقسیم یا حسن تقسیم یا صحت تقسیم، ائتلاف، مقابله یا صحت مقابلات یافت می‌شود. امام‌فخر رازی (۶۰۶)، سکاکی (۶۲۶)، شمس‌قیس رازی (۶۳۵) نیز از آن یاد کرده‌اند ( فولادی، ۱۳۹۳). در زبان فارسی نیز، محمد رادویانی در قرن پنجم از آن نام می‌برد و در میان معاصران نیز، رجایی، همایی، شفیعی کدکنی، شمیسا و وحیدیان کامیار به آن توجه داشته‌اند. نویسندگان کتاب‌های بدیعی نیز، این آرایه را به تناسب وسع و لزوم در آثار خود تشریح کرده‌اند.

مقالات مختلفی نیز در ارتباط با مراعات‌نظیر در مجلات علمی پژوهشی به نگارش درآمده‌اند که به مهم‌ترین آن‌ها در ذیل اشاره می‌شود

۱. «بررسی مراعات‌نظیر» از تقی وحیدیان کامیار در مجله‌ی دانشکده‌ی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد (۱۳۷۹).

۲. نقد و تحلیل و بررسی تناسب در سیر تاریخی و روند دگرگونیها» از جواد مرتضایی در مجله‌ی علمی-پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان (۱۳۸۶).

۳. «مراعات‌نظیر، زیور آرایه‌ها» از سید مجتبی حسینی در فصلنامه‌ی پژوهش تحقیقات زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد اسلامی-واحد بوشهر (۱۳۸۹).

۴. «نگاهی تازه به مراعات‌النظیر و جنبه‌های بلاغی آن» علیرضا فولادی در فصلنامه‌ی تخصصی نقد ادبی (۱۳۹۳).

۵. «ارتباط مراعات‌النظیر و تداعی معانی و سیر تحول آنها» از حمیدرضا خوارزمی در فصلنامه پژوهش‌های ادبی و بلاغی (۱۳۹۴).

۶. «مراعات‌نظیر تناسبی هنجارگیز است» از عیسی نجفی و فرزاد فرزی در گردهمایی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی دوره‌ی ۱۰ (۱۳۹۴).

۷. «دلالت ضمنی نشانه‌ها در شعر حافظ با توجه به آرایه‌ی مراعات‌نظیر و تناسب» از محمدرضا اکرمی در مجله‌ی علمی-پژوهشی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد فسا (۱۳۹۵).

۸. «بررسی زبان‌شناختی و بلاغی انواع با هم‌آیی در شاهنامه‌ی فردوسی از مریم تفرجی یگانه و کیومرث نیک‌سرشت در مجله‌ی علمی مطالعات زبانی و بلاغی (۱۳۹۸).

تضمّن در برخی کتاب‌های مربوط به زبان‌شناسی در بخش ارتباطات واژگان، موردبررسی واقع شده است اما مستقلاً بخشی را به آن اختصاص نداده‌اند و این به نظر و دیدگاه پژوهشگران و نویسندگان آن حوزه بستگی دارد. مقالاتی



محدود در این زمینه نگارش درآمده‌اند؛ اگر اغراق نشود در حکم «النادر کالمعدوم» به شمار می‌آید که در این جا به دو مورد آن اشاره می‌شود:

۱. «تضمن چیست؟» از محمد علی گلستانی در مجله‌ی رشد آموزش زبان و ادب فارسی (۱۳۹۱).
۲. «بررسی تضمن حرف ربط اما در زبان فارسی» از بهناز زمانی و بهرام هادیان در مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی (۱۳۹۵).

#### ۴- تجزیه و تحلیل

##### ۴-۱- تناسب یا مراعات نظیر

مراعات نظیر در اغلب آرایه‌های ادبی حضور دارد و به عنوان «یکی از ترفندهای ادبی، تاکنون به درستی بررسی و شناخته نشده‌است» (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۹). متقدمین و متأخرین در مورد تناسب و مراعات نظیر تحقیقات و پژوهش‌های گسترده‌ای را به سرانجام رسانده‌اند؛ برخی تناسب و مراعات نظیر را دو مقوله‌ی جدا دانسته‌اند و مراعات نظیر را زیر مجموعه‌ی تناسب فرض کرده‌اند (همایی، ۱۳۶۱ و وحیدیان کامیار، ۱۳۹۰) اما بیشتر کتاب‌ها تناسب و مراعات نظیر را یکی می‌دانند و آن‌ها را با نام‌هایی همچون مؤاخات، توفیق، تلیف و ائتلاف یکی فرض می‌کنند؛ یکی از «متأخران یعنی محمد خلیل رجایی می‌گوید: مراعات‌النظیر که آن را تناسب و توفیق نیز گویند و آن چنان است که دو چیز یا چند چیز را که با هم متناسب باشند، غیر از تناسب بر سبیل تقابل و تضاد با هم جمع کنند» (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۹) به نقل از رجایی، (۱۳۴۰). تناسب «وجود نوعی نظم یا توافق و هماهنگی است میان چند چیز و یکی از عوامل زیبایی آفرینی است» (وحیدیان کامیار، ۱۳۹۰). مراعات‌نظیر «آن است که در سخن اموری را بیاورند که در معنی با یکدیگر متناسب باشند، خواه تناسب آنها، از جهت همجنس بودن باشد، مانند گل و لاله و امثال آن، و خواه تناسب آنها از جهت مشابهت یا تضمّن و ملازمت باشد، مانند شمع و پروانه، تیر و کمان، خسرو شیرین، دهن و غنچه، چشم و نرگس» (همایی، ۱۳۸۴). مراعات‌نظیر «در لغت رعایت تناسب است و در اصطلاح بدیع آن است که در نظم و نثر کلماتی نظیر و مناسب هم بیاورند و چیزهایی را که با هم متناسب باشند جمع کنند» (داد، ۱۷۵). وحیدیان کامیار بر آن است که آرایه‌های «مراعات‌نظیر، تضاد، مقابله، جمع، تفریق، سنجش، تلمیح، ارضاد، براعت استهلال، توشیح، حشو و حسن تخلص از جمله ترفندهای بدیعی هستند که در آنها تناسب و هماهنگی اساس زیبایی است» (وحیدیان کامیار، ۱۳۹۰). او بر این باور است که «ایهام تناسب، ایهام، تشابه الاطراف، استعاره، مجاز، کنایه و تشبیه می‌توانند ایجاد مراعات‌نظیر کنند» (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۹) و «ایهام تناسب، ایهام تضاد و پارادوکس نیز از زیر مجموعه‌های صنایع تناسب و تضاد هستند» (مرتضایی، ۱۳۸۶) که به شیوه‌ای مراعات‌نظیر را هم دربرمی‌گیرد. با این توصیفات می‌توان اذعان داشت که علاوه بر یکی بودن تناسب و مراعات‌نظیر، اغلب آرایه‌ها از تناسب و واژگانی یا همان مراعات‌نظیر بهره‌مند هستند و این آرایه «کاتالیزوری است برای پویا کردن آرایه‌ها» (حسینی، ۱۳۸۹) و نقش مهمی را در این زمینه ایفا می‌کند. تناسب یا مراعات‌نظیر به علت «پیچیده نبودن، سادگی و سهولت فهم و دریافت و طبیعی بودن، از همان آغاز شعر فارسی تا به امروز حضوری چشمگیر و برجسته در همه‌انواع و قالبهای شعری» (مرتضایی، ۱۳۸۹) داشته است.



از آهنگری ارّه و تیشه کرد

چو بشناخت آهنگری پیشه کرد

چهارم سمور است کش موی نرم

چو روباه قاقم چو سنجاب نرم

نخست از برش هندسی کار کرد  
( فردوسی، ۱۳۹۰ )

به سنگ و گچ دیو دیوار کرد

تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری  
( سعدی شیرازی، ۱۳۷۴ )

ابر و باد و مه خورشید و فلک در کارند

بر آید که خاک باشیم و خشت  
( سعدی شیرازی، ۱۳۶۸ )

بسی تیر و دی ماه و اردیبهشت

یادم از کشته خویش آمد و هنگام درو  
( حافظ شیرازی، ۱۳۸۳ )

مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو

در کنار هم قرار گرفتن واژه‌های، ارّه و تیشه، و روباه، سنجاب و سمور، و سنگ و گچ، و ابر، باد، مه و خورشید، و تیر، دی‌ماه و اردیبهشت و مزرع، داس، کشته و درو در نمونه‌های مذکور، از نظر جنس، نوع، مکان، زمان و همراهی با هم تناسب دارند و این تناسب سبب «تداعی معانی» است و ذهن را به تکاپو وامی‌دارد تا به جست و جوی «همزاد» پردازد و این «همزاد یابی» زمانی محقق می‌شود که در این زمینه آگاهی وجود داشته‌باشد.

با عنایت به پیشینه‌ی پژوهش این مقاله، تحقیقات و پژوهش‌های گسترده‌ای در مورد مراعات‌نظیر انجام شده است اما وحیدیان کامیار در مقاله‌ی «بررسی مراعات‌نظیر» پژوهش‌هایی را دارای نکته‌های بدیع دانسته است و بر این باور است که «پس از رادویانی در کتابهای صناعات ادبی، چیزی بر مطالب او افزوده نگشت و تنها کسی که درباره‌ی مراعات‌نظیر نکته‌های... مطرح کرده است جلال الدین همایی است» (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۹). با این توصیفات این پژوهش منابع معرفی شده در پیشینه‌ی پژوهش را برای ارجاع در این زمینه مناسب می‌داند و خلأ پژوهشی را در باره‌ی تضمّن عنوان می‌کند.

#### ۴-۲- تضمّن

تضمّن یکی از آرایه‌هایی است که نه در کتاب‌های بلاغی و نه در کتاب‌های درسی به شیوه‌ای مبسوط مورد تجزیه و تحلیل قرار نگرفته است. از آنجایی که در تمامی علوم واژه‌ها در معنای خاص خود به کار می‌روند و عالمان آن علم از اصطلاحات تخصصی ویژه‌ی آن علم استفاده می‌کنند، لازم است واژه‌ها با رویکردی تخصصی بررسی شوند؛ و روابط آن‌ها از زوایای گوناگون بررسی شود، «مشخص نبودن مفاهیم و تعریف دقیق اصطلاحات و واژه‌ها» موجب برداشت و دریافتی خلاف نظر نویسنده می‌شود. تضمّن در لغت به معنی «در برداشتن، شامل بودن، درضمن داشتن، شمول» (معین،



۱۳۷۱) است. تعریف این واژه در روابط واژگانی و انواع آن تبیین می‌شود؛ جورج یول در بخش انواع روابط واژگانی، ارتباط آن‌ها را در شش محور تعیین می‌نماید: «هم معنایی یا مترادف<sup>۱</sup>، تضاد معنایی<sup>۲</sup>، هم‌آوایی<sup>۳</sup>، همنامی<sup>۴</sup>، چند معنایی<sup>۵</sup> و مضمول معنایی<sup>۶</sup>» (یول، ۱۳۷۴). ارتباط واژگانی «مضمول معنایی» یا تضمّن، موضوع مورد پژوهش این مقاله است و ذکر سایر روابط واژگانی جهت تبیین این ارتباط است. زبان‌شناسان مطرح شدن «تضمّن» را به گرایس (۱۹۷۵) نسبت می‌دهند و آن را به عنوان معنایی فراتر از کلام در دو بخش «تضمن متعارف» و «تضمن مکالمه‌ای» مورد بررسی قرار می‌دهند و در تعریف آن می‌نویسند «تضمن پیامی است که فراتر از کلام گوینده می‌باشد و درک آن تنها با توجه به معنای تحت‌اللفظی جمله صورت نمی‌گیرد» (زمانی و هادیان، ۱۳۹۵). برخی دیگر در تعریف آن بر این باور هستند که «تضمّن (شمول معنایی) یعنی هر واژه (یا جمله‌ای) علاوه بر معنای صریح و مشخص، ممکن است معنای و مفاهیم دیگری را تداعی کند و بر آنها دلالت ضمنی داشته باشد به عبارت دیگر، رابطه‌ای را که در آن معنای یک واژه معنای واژه‌ای دیگر را شامل می‌شود تضمّن می‌نامند» (گلستانی، ۱۳۹۱). به عبارتی دیگر تضمّن «رابطه‌ای بین دو واژه که در آن معنای یکی از واژه‌ها معنای واژه‌ی دیگر را در برمی‌گیرد؛ برای مثال؛ واژه‌های حیوان و سگ این گونه به هم مربوط می‌شوند که سگ به نوعی از حیوان دلالت دارد و حیوان یک اصطلاح عمومی است که سگ و دیگر حیوانات را در برمی‌گیرد» (همان). در ظاهر دو تعریف - زمانی و هادیان و گلستانی - یک نکته را بیان می‌کنند اما در تعریف دوم «تداعی»، «دلالت ضمنی» و «رابطه‌ی واژه‌ها» تعریف را به جهتی دیگر سوق می‌دهد. ضمناً تأکید بر واژه در تعریف دوم، یادآور افکار سوسوراست که در نظراو «نظام زبان، واژه مرکز<sup>۷</sup> است» (سورن، ۱۳۸۹). از سویی دیگر رابطه‌ی واژه‌هایی که به تضمّن یا شمول معنایی یا هم‌پوشی موسوم است، در بردارنده‌ی «معنا شمول» و «ما فوق»<sup>۸</sup> است که به نظر می‌رسد حضور تضمّن در بخش زبان‌شناسی کتاب‌های درسی برگرفته از این ساختار باشد. لازم است یادآوری شود که در مثال «سگ و حیوان» سگ «معنا شمول» و حیوان «ما فوق» است.

در کتاب‌های درسی دوره‌ی متوسطه‌ی دوم که پایه و اساس آموزش همگانی است، «تناسب، تضمّن، مترادف و تضاد» (قاسم پور و همکاران، ۱۳۹۸) را در بخش قلمرو زبانی قرار داده‌اند و بدون توجه به مبنا و پایه بودن این «ترفند بلاغی» از توضیح بیشتر خودداری کرده‌اند. همایی تناسب را به «همجنس بودن یا مشابهت یا تضمّن و ملازمت تقسیم می‌کند و هر تناسبی را مراعات نمی‌داند» (همایی، ۱۳۸۴). اگرچه در کتاب درسی تضمّن و تناسب دو مقوله‌ی جدا هستند اما ژرف‌نگری و تبیین این آرایه‌ها مورد غفلت واقع شده‌است که به نظر می‌رسد خلأیی در این زمینه به شمار رود. بیشتر مقالات در حوزه‌ی بررسی مراعات نظیر به نگارش درآمده‌اند؛ چاپ آن‌ها در مجلات علمی - پژوهشی بیانگر غنی بودن

- 1- synonymy
- 2- antonym
- 3- homophony
- 4- homonymy
- 5- polysemy
- 6- hyponymy
- 7- word- centered
- 8- super ordinate



آن‌هاست اما تضمّن نیز بخشی از مراعات نظیر است که مورد بررسی قرارنگرفته است با توجه به اهمّیت آن، پژوهش در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد.

بهار آمد از گلستان گل چینم  
ز روی زمین شاخ سنبل چینم (فردوسی، ۱۳۹۰)

گلستان، « مافوق و گل، شاخ سنبل » معنا شمول است.

تضمّن آرایه‌ای است که نسبت به سایر آرایه‌ها بسامد کمتری دارد اما همین حضور اندک، ارتباط و اشتراک علوم و فنون گوناگون را به تصویر می‌کشد. ارزش و اعتبار این عنصر بلاغی از آنجا عنوان می‌شود که با علوم منطقی، معانی، فلسفه و روانشناسی مرتبط است. تضمّن با بیان، بدیع و زبانشناسی نیز ارتباط دارد از آنجا که این اشتراکات در پژوهش‌های مربوط به مراعات نظیر و تناسب در کتاب‌ها و مقالات ذکر شده است خوانندگان به بررسی این ارتباط‌ها در کتب و مجلات مربوط ارجاع داده می‌شوند. نگارندگان این مقاله بر این باورند که تبیین این موضوع مخاطبان را به سوی پژوهش و تحقیق در حوزه‌های مختلف علمی سوق می‌دهد و آنان را با مفاهیم بکر و مضامینی نو در حیطه‌های مختلف آشنا خواهد کرد.

#### ۴-۲-۱- تضمّن و منطق

در تعریف تضمّن آمده است: « که تضمّن رابطه‌ای است میان دو کلمه؛ به طوری که یکی از آنها معنای دیگری را نیز در برگیرد مانند پدر و والدین » (گلستانی، ۱۳۹۱) در منطق نیز دلالت تضمّن آن است که « هرگاه لفظ موضوع به جزء معنای خودش (موضوع له) دلالت کند، آن را دلالت «تضمّن» یا دلالت «حیطه» گویند (حسینی، ۱۳۸۳). وجه تسمیه این دلالت به تضمّن آن است که در این نوع دلالت لفظ بر جزء موضوع له یعنی بر چیزی که در ضمن موضوع له موجود است دلالت دارد» (خوانساری، ۱۳۹۲). در منطق بین دو کلی نسبت‌های تساوی، تباین، عموم و خصوص مطلق و عموم و خصوص من وجه، موجود است تضمّن با عموم و خصوص مطلق مرتبط است زیرا:

**عموم و خصوص مطلق:** بین دو کلی در صورتی عموم و خصوص مطلق است که فقط یکی از آنها بر تمام افراد دیگری صادق باشد یا به عبارت دیگر کلیت و شمول یکی از آنها به طور مطلق بیش از دیگری باشد یعنی هم بر آن صدق کند و هم بر غیر آن، انسان و حیوان (همان) تضمّن نیز چنین است و در بخش شمول با آن ارتباط دارد.

بچنگ آورش چند گونه گهر  
چو یاقوت و بیجاده و سیم و زر (فردوسی، ۱۳۹۰)

یاقوت، بیجاده، سیم و زر از گوهر ساخته شده‌اند و رابطه‌ی آن‌ها عموم و خصوص مطلق است که در ادبیات به آن تضمّن می‌گویند.

#### ۴-۲-۲- تضمّن و معانی

در علم معانی مساوات، ایجاز و اطناب در فصاحت و بلاغت کلام تاثیر گذارند؛ اطناب با مراعات نظیر و تضمّن ارتباط دارد؛ در اطناب ذکر خاص بعد از ذکر عام و ذکر عام بعد از خاص کاربرد دارد که همان تضمّن است.

#### الف: ذکر خاص بعد از عام

پرستار امرش، همه چیز و کس  
بنی آدم و مور و مرغ و مگس (سعدی، ۱۳۹۰)



نخواهم ز میخ سیاوش درخت  
 نه شاخ و نه برگ و نه تاج و نه تخت (فردوسی، ۱۳۹۰)  
 بعد از همه چیز و همه کس بنی آدم و مرغ و مور مگس ذکر شده است یا بعد از درخت به شاخ و برگ و تاج و تخت اشاره شده است « ذکر خاص پس از عام در ادبیات فارسی بصورت ذکر جزء پس از کل به کار رفته است» (رضا نژاد، ۱۳۶۷) که می توان آن را در ذیل عنوان تضمّن مورد بررسی قرارداد.

مؤلف جواهر البلاغه به قرآن اشاره می کند:  
 حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ ﴿۲۳۸﴾ « در انجام نمازها به ویژه نماز عصر محافظت ورزید و فروتنانه برای خدا بپاییزید (خرمدل، ۱۳۷۰)».

الهامی در این مورد می نویسد « فایده ذکر خاص پس از عام این است که امتیاز و برتری خاص را می فهماند به گونه ای که گویا خاص به جهت فضیلت و رفعتی که دارد، جزء دیگری است و با آنچه پیش از آن ذکر شده، فرق دارد. و به همین سبب صَلَاةِ الْوُسْطَىٰ (نماز عصر) به خصوص، ذکر گردیده، چون برتری داشته است» (هاشمی، ۱۳۸۱).

ز مرغان مر آن را که بد نیک تاز چو باز و چو شاهین گردن فراز (فردوسی، ۱۳۹۰)  
 باز و شاهین نسبت به سایر پرندگان برتری دارند و ذکر خاص بعد از عام است و ارتباط معنایی آنها « تضمّن » است.

### ب: ذکر عام پس از خاص

هاشمی در جواهر البلاغه، برای تبیین این موضوع به قرآن اشاره دارد:  
 رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا ﴿۲۸﴾ « پروردگارا مرا و پدر و مادرم را و همه ی کسانی را که باورمندانه و مومنانه به خانه ی من درمی آیند و مردان و زنان با ایمان را بیامرزد و کافران را جز هلاک و نابودی میفزاید» (خرمدل، ۱۳۷۰)

دد و دام و هر جانور کش بدید ز گیتی به نزدیک او آرمید (فردوسی، ۱۳۹۰)  
 دد و دام اسم هایی خاص هستند که پس از جانور به عنوان اسم عام ذکر شده اند تا بار دیگر مورد توجه مخاطب قرار گیرند و این گونه ی دیگری از تضمّن است. هاشمی در این زمینه می نویسد که فایده ذکر عام فراگیری بقیه ی افراد و اهمیت دادن به خاص است چون آن خاص پس از آن که با عنوان خاص ذکر گشته بار دیگر نیز در ضمن عام آورده شده است (هاشمی، ۱۳۸۱)

### ۴-۲-۳- تضمّن و فلسفه

فلسفه با افلاطون تداعی می شود. او در دفتر دهم از کتاب جمهوری خود می گوید:  
 « هر گاه تعدادی از افراد نام مشترکی داشته باشند چنین فرض می کنیم که آنها مثال یا صورت یکسانی دارند. افلاطون به منظور موبه مو توضیح دادن این اظهار نظر نسبتا اسرار آمیز نظر ما را به ویژگی بارزی از زبان جلب می کند مبنی بر این که یک اسم یا صفت عام مثل درخت یا تیر را می توان به حق به معنای واحد بر تعداد زیادی از موجودات مشخصی، متفاوت اطلاق کرد. (آلستون، ۱۳۸۱)».

به فرّ کبی نرم کرد آهنا چو خود و زره کرد چون جوشنا (فردوسی، ۱۳۹۰)



**4<sup>th</sup> International Conference on Language, Literature, History and Civilization**

**COMSTECH Inter-Islamic Network on Virtual Universities**  
**Avicenna International Community College LLC**

*Holding time: September 15, 2020*  
*Tbilisi - Georgia*

آهن نام مشترکی است که در بردارنده‌ی جنس خود، زره و جوشن است که معنای ویژه‌ای دارد که با «تضمّن» مرتبط است. «و روشن است که معنای خاص داشتن این کلمه از این جهت حائز اهمیت است که این کلمه مجموعه‌ی مصادیق آن مجموعه را تعیین می‌کند و نه مجموعه‌ی مصادیق مجموعه‌ی دیگری را» (آلستون، ۱۳۸۱) و این از ویژگی‌های فلسفه‌ی زبان است که اشیا صورت یکسانی دارند و آنچه آن‌ها را از هم متمایز می‌کند کاربرد و فایده‌ی آن‌ها است اگر چنین نبود هارمونی زبان دچار اختلال می‌شد، این فلسفه‌ی کاربردی نه تنها در امور حسی بلکه در مفاهیم انتزاعی نیز خودنمایی می‌کند؛ قدغن، حرام و مضر در یک مجموعه به کار می‌روند اما حوزه‌ی معنایی آن‌ها با استعانت از فلسفه‌ی وجودی این واژه‌ها به قانون، شرع و بهداشت بازبسته است. تضمّن هم با فلسفه‌ی وجودی خود در میان واژه‌های هم‌شمول با کارکرد «معنا شمول» و «مافوق» حضوری چشمگیر دارد آهن که مافوق معنا شمولانی چون خود، زره و جوشن است از این ویژگی برخوردار است.



#### ۴-۲-۴- تضمین و روانشناسی

روانشناسی با ادبیات پیوندی ناگسستنی دارد؛ حضور مفاهیم و مضامین در ذهن و القای اندیشه و الهام شعر در این امر دخیل است علاوه بر آن ارتباط مفهومی واژگان زبان نیز نقش اصلی را ایفا می‌کند. «یکی از روابط مفهومی میان واژگان زبان، رابطه باهم‌آیی است که بیانگر همنشینی دو یا چند واژه است؛ به گونه‌ای که احتمال با هم آمدن آن‌ها قابل پیش بینی باشد» (تفرجی یگانه و نیک سرشت). با عنایت به تقسیم بندی زبان در دو بخش عادی و ادبی و حضور باهم‌آیی در این دو مقوله، لازم است یادآوری شود که «در زبان عادی و رسمی، باهم‌آیی، یکی از شروط لازم برای انسجام و معنی دار بودن کلام است؛ اما در زبان ادبی، انواع خلاقیت‌ها و ابتکارات زیبایی شناختی است که منجر به باهم‌آیی‌ها در سخن می‌شود. از این رو انواع و دایره باهم‌آیی‌ها در زبان ادبی بسیار گسترده‌تر و متنوع‌تر از باهم‌آیی‌ها در زبان عادی است» (همان) که به دلایل گوناگونی بستگی دارد. «در متون ادبی، باهم‌آیی، حاصل تداعی ذهنی و ابداع ارتباطات هنری و زبانی میان اجزای کلام در دو محور همنشینی و جانشینی است» (همان). حضور تداعی معانی در این توصیف، برای متون ادبی، دارای اهمیت است «شفیعی کدکنی و براهنی به تداعی معانی در ادبیات اشاره کرده‌اند» (طحان، ۱۳۸۸). به طور خلاصه «تداعی معانی اصطلاحی است در روانشناسی به این معنی که یک مفهوم، سلسله مفاهیمی را به ذهن فرامی‌خواند» (همان) در کتاب‌های جدید عربی این لفظ [تداعی معانی] اروپایی را به اشتراک افکار، اشتراک خواطر و تسلسل خواطر یا افکار ترجمه کرده‌اند (همان). واقعیت آن است که «چگونگی شکل‌گیری اندیشه‌ها تصاویر و واژه‌ها (زمان گذشته) توجه پژوهشگران را به خود معطوف کرده است گروهی این امر را ناشی از تجربه‌ی فرد، برخی ناشی از الهام و بعضی ناشی از فرایند روانی تداعی که خود ریشه در تخیل دارد دانسته‌اند» (خوارزمی، ۱۳۹۴). خوارزمی ریشه‌ی تداعی معانی را در تخیل می‌داند اما این دو با هم متفاوت هستند «تخیل ثمره ذهن خلاق است. و آنچه ذهن را می‌سازد یا ترکیب می‌کند ممکن است اصولاً وجود خارجی نداشته و یا در آینده نیز نتواند تحقق یابد ولی تداعی، مفاهیم مسبوق به ذهن را که به نحوی با یکدیگر در گذشته ارتباط یافتند به صحنه وجدان می‌آورد» (کی‌نیا، ۱۳۸۴). تضمین نیز همانند تشبیه بر اساس تداعی بنیان نهاده شده است و روان‌شناسان، تداعی معانی را «تابع سه قانون نهادی: پیوستگی، مشابهت، تضاد می‌دانند» (همان). تضمین با اصل پیوستگی یا مجاورت در ارتباط است و پیوستگی مکانی، زمانی، جنس، نوع و همراهی باحضور این آرایه موجودیت می‌یابد. «غالب شاعران سنتی ما آرایه‌های ادبی را زیور کلام دانسته و جهت آرایش متن و زیبایی آن به کار برده‌اند» (اکرمی، ۱۳۹۵) اما گاهی شاعر «جهان بینی ویژه‌ای دارد حتی آرایه‌های لفظی و برخی آرایه‌های معنوی را که معناساز نیستند در خدمت انتقال پیامی ثانویه به کار می‌گیرد و به دلالت‌های ضمنی آن‌ها توجه دارد» (همان). در شعر شاعران کاربرد تضمین محرز است. همه‌ی انسان‌ها از قدرت تداعی برخوردارند ولی افراد نابغه آن را به فراوانی در اختیار دارند این نیروی سرشار نبوغ باعث می‌شود معانی و تصورات به سویس هجوم آورند. (طحان، ۱۳۸۸). بنا به همین اصل روان‌شناسی است که شاعران «آفریننده زیبایی» لقب داده می‌شوند و هریک از واژه‌های موجود در بیت از «طریق تداعی» واژه‌های همراه خویش را به «ذهن شاعر» فرا می‌خواند.



به چنگ آمدش چند گونه گهر چو یاقوت و بیجاده و سیم و زر (فردوسی، ۱۳۹۰)

ارتباط تضمینی واژه‌ی « گهر » واژه‌های یاقوت، بیجاده، سیم و زر را در ذهن شاعر تداعی می‌کند و باهم آبی آن‌ها به تکمیل شکل ذهنی شاعر کمک می‌کند و این باهم آبی با توجه به « زایایی » زبان نامحدود است و « کمکی که تداعی معانی به تکمیل شکل ذهنی و جنبه معنوی شعر می‌کند محدود به تخیل شاعر نیست بلکه چنانکه می‌دانیم تداعی معانی در تمام اعمال ذهن، از قبیل انتباه و تجرید و تعمیم مؤثر است و دخالت دارد » (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۸). کادن بر آن است که باز نمایی جزئی موجب بازنمایی کلی می‌شود که خود بخشی از آن بوده است هر گونه ادراک حسی یا یادی ممکن است با چیزی در گذشته همراه یا تداعی گردد. (کادن، ۱۳۸۰) و تداعی معانی سلسه مفاهیمی را بر اساس اصل مجاورت مشابهت یا تضاد در ذهن تداعی می‌کند. هرگاه دو امر باهم یا در پی هم در ذهن عارض شود؛ بعدها بازگشت یکی از آنها در نفس سبب بازگشت دیگری می‌شود. (خوارزمی، ۱۳۹۴) آنچه از طریق تداعی به ذهن هنرمند وارد می‌شود، ریشه در نا خود آگاه فردی و اجتماعی او دارد (همان) بنا بر این نظرات، تضمین آرایه‌ای ادبی است که با روانشناسی کاملاً مرتبط است و تداعی معانی اساس آن است و این یکی از وجوه مشترک مراعات نظیر و تضمین به‌شمار می‌رود.

## ۵- نتیجه‌گیری

در این پژوهش ارتباط آرایه‌های ادبی با هم تبیین شد و مراعات نظیر و تضمین محور اصلی بحث قرار گرفتند با توجه به کثرت پژوهش‌ها در مورد مراعات نظیر، تمرکز تحقیق بر تضمین واقع شد و نتایجی به شرح ذیل حاصل گردید:

- محققان در مورد تناسب و مراعات نظیر دو نظر داشته‌اند؛ الف: این دو از هم جدا هستند. ب: این دو آرایه یکی هستند. با این پیش فرض‌ها هنوز باب پژوهش مفتوح است و محققان می‌توانند با دقت بیشتری موضوع را واکاوی کنند.
- تضمین با تناسب و مراعات نظیر است دارای اشتراکات و افتراقاتی هستند، در مراعات نظیر اساس بر تناسب است و این تناسب می‌تواند از جهت تضمین باشد، اساس هردو بر تداعی معانی است، مراعات نظیر می‌تواند در بیشتر آرایه‌ها حضور یابد اما این امکان برای تضمین محدود است. هر تضمینی مراعات نظیر است اما هر مراعات نظیری تضمین نیست. تاکنون توجه شایانی به تضمین نشده است و در کتاب‌های درسی فقط در بخش قلمرو زبانی حضور دارد و تبیین و تشریحی در این زمینه صورت نگرفته است و به نظر می‌رسد این موضوع خلأیی در حوزه‌ی بلاغت باشد که با اهداف آموزشی همخوانی ندارد. پیشنهاد می‌شود مؤلفان کتاب‌های درسی در این زمینه نگاهی همه‌جانبه‌گرایانه به موضوع داشته باشند.
- تضمین با « عموم و خصوص مطلق » منطبق، « ذکر خاص بعد از عام و ذکر عام بعد از خاص » معانی اشتراکات چشمگیری دارد که تاکنون مغفول مانده است. لازم است مدرسان علوم بلاغی این مهم را مدنظر قرار دهند تا امر تدریس جذاب‌تر شود.



- تضمّن با فلسفه و روانشناسی نیز ارتباط دارد نظرات روانشناسی و روابط اشیا و داده‌های علمی با رویکردی تضمّنی راهگشای بسیاری از معضلات حوزه‌های زبان خواهد بود که تا جایی که نگارندگان تحقیق کرده‌اند کسی به آن نپرداخته‌است.

منابع:

قرآن کریم

آلستون، ویلیام پی، ۱۳۸۱، فلسفه‌ی زبان، مترجم، احمد ایرانمنش و احمد رضا جلیلی، چاپ اول، تهران، دفتر پژوهش و نشر سهروردی

استعلامی، محمد، ۱۳۸۳، درس حافظ، نقد و شرح غزل‌های حافظ، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، سخن  
اکرمی، محمدرضا، دلالت ضمنی نشانه‌ها در شعر حافظ با توجه به آرایه‌ی مراعات نظیر و تناسب، مجله‌ی علمی-

پژوهشی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد فسا، س. ۷. ش. ۱ (پیاپی ۱۴) بهار، ۱۳۹۵، ۱۱-۲۸  
تفرجی یگانه، مریم و نیک‌سرشت، کیومرث، بررسی زبان‌شناختی و بلاغی انواع با هم‌آیی در شاهنامه‌ی فردوسی،  
مجله‌ی علمی مطالعات زبانی و بلاغی، سال ۱۰، شماره ۱۹، بهار و تابستان ۹۸، ۱۰۵-۱۲۶

حسینی، سیدعلی، ۱۳۸۳، خلاصه ترجمه منطق تعلیمی، چاپ اول، قم، ولیعصر  
حسینی، سید مجتبی، مراعات نظیر، زیور آرایه‌ها، فصلنامه‌ی پژوهش تحقیقات زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد اسلامی-

واحد بوشهر، شماره سوم، شماره پیاپی، ششم، زمستان ۱۳۸۹، ۶۷-۸۱

خرمدل، مصطفی، ۱۳۷۰، تفسیرنور، چاپ اول، تهران، نشر احسان

خوارزمی، حمیدرضا، ارتباط مراعات النظیر و تداعی معانی و سیر تحول آنها، فصلنامه پژوهش‌های ادبی و  
بلاغی، دوره ۴، شماره ۱ (پیاپی ۱۳)، ۵۷-۷۵

خوانساری، محمد، ۱۳۹۲، منطق صوری، چاپ چهل و ششم، تهران، نشر دیدار

داد، سیما، ۱۳۷۵، فرهنگ اصطلاحات ادبی، چاپ دوم، تهران، مروارید

رضانژاد، غلامحسین، ۱۳۶۷، چاپ اول، تهران، سپهر

زمانی، بهناز و هادیان، بهرام، بررسی تضمّن حرف ربط اما در زبان فارسی، مجله‌ی پژوهش‌های زبان‌شناسی، سال هشتم،  
شماره دوم، شماره ترتیبی ۱۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۵

سعدی شیرازی، شیخ مصلح الدین، ۱۳۹۲، بوستان سعدی، چاپ یازدهم، تهران، خوارزمی

سعدی شیرازی، شیخ مصلح الدین، ۱۳۹۴، گلستان سعدی، چاپ دوازدهم، تهران، خوارزمی

شفیعی کدکنی، محمدرضا، ۱۳۶۸، موسیقی شعر، چاپ دوم، تهران، آگاه

طحان، احمد، تداعی معانی در شعر حافظ، پژوهش‌های ادبی، دوره ۷، شماره ۲۶، زمستان ۱۳۸۸، ۱۰۱-۱۳۰

فردوسی، ابوالقاسم، ۱۳۹۰، شاهنامه فردوسی، برپایه چاپ مسکو، چاپ پنجم، تهران، هرمس



فولادی، علیرضا، نگاهی تازه به مراعات النظیر و جنبه های بلاغی آن، فصلنامه‌ی تخصصی نقد ادبی، دوره ۷، شماره ۲۵، بهار ۱۳۹۳، ۷۱-۹۸

قاسم پور و همکاران، ۱۳۹۸، فارسی (۲) پایه یازدهم، دوره دوم متوسطه، چاپ سوم، تهران، شرکت چاپ کتاب‌های درسی ایران.

کادن، جی، ای، ۱۳۸۰، فرهنگ توصیفی ادبیات و نقد، ترجمه کاظم فیروزی، چاپ اول، تهران، نشر شادگان کی‌نیا، مهدی، ۱۳۸۴، روان‌شناسی جنایی، جلد اول، چاپ پنجم، تهران رشد

گلستانی، محمدعلی، تضمن چیست؟ محمد علی مجله‌ی رشد آموزش زبان و ادب فارسی، شماره ۱، پاییز ۱۳۹۱، ۷۰-۷۳ مرتضایی، جواد، نقد و تحلیل و بررسی تناسب در سیر تاریخی و روند دگرگونیها، مجله‌ی علمی-پژوهشی دانشکده

ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره دوم، شماره چهل و نهم، تابستان، ۱۳۸۶، ۱۰۷-۱۲۱ معین، محمد، ۱۳۷۱، فرهنگ فارسی، جلد ۱، چاپ هفتم، تهران، امیرکبیر

نجفی، عیسی و فرزی، فرزاد، مراعات نظیر تناسبی هنجار گریز است گردهمایی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی دوره‌ی ۱۰، ۱۳۹۴، ۱-۵

وحیدیان کامیار، تقی، ۱۳۹۰، بدیع از دیدگاه زیبایی‌شناسی، چاپ پنجم، تهران، سمت وحیدیان کامیار، تقی، بررسی مراعات نظیر، مجله‌ی دانشکده‌ی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۱-

۲، (پی در پی ۱۲۸-۱۲۹) بهار و تابستان ۱۳۷۹، ۶۱-۷۰

الهاسمی، احمد، ۱۳۸۹، جواهر البلاغه، شرح و ترجمه حسن عرفان، ج ۱، چاپ دهم، تهران، نشر بلاغت

همایی، جلال‌الدین، ۱۳۸۴، فنون بلاغت و صناعات ادبی، چاپ بیست و چهارم، تهران، نشرها

یول، جورج، ۱۳۹۶، نگاهی به زبان (یک بررسی زبان‌شناختی)، مترجم نسرین حیدری، چاپ چهاردهم، تهران، سمت